

## بررسی ارتباط میان پاداش تشویقی، اختیارات حسابداری و سرمایه بانک ها و مؤسسات مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

رضا علمداری

کارشناسی ارشد حسابداری، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، فارس، ایران. (نویسنده مسئول).  
reza\_1388@yahoo.com

دکتر عباس اللهیاری

استادیار گروه حسابداری، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، فارس، ایران.  
Abasallahyari1363@gmail.com

شماره ۱۱۲ / بهار ۱۴۰۵ (جلد اول) / صص ۱۴-۲۶  
چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره نهم)

### چکیده

پاداش تشویقی، اختیارات حسابداری و سرمایه بانک ها و مؤسسات مالی از موضوعاتی است که امروزه توسط پژوهشگران مورد توجه قرار گرفته است. مدیران و سرپرستان بانک ها جهت افزایش سرمایه بانک ها می بایست به پاداش تشویقی و اختیارات حسابداری توجه نمایند؛ از این رو هدف از انجام این پژوهش تعیین روابط بین پاداش تشویقی، اختیارات حسابداری و سرمایه بانک ها و مؤسسات مالی می باشد. داده های آماری بین سال های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۳ از بین بانک ها و مؤسسات مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب گردیده است. نمونه آماری به روش حذفی به تعداد ۲۱ بانک و موسسه مالی انتخاب شده است. روش پژوهش توصیفی- تحلیلی از نوع همبستگی بوده و داده های پژوهش از نوع تاریخی با مراجعه به صورت های مالی و گزارشات شرکتها استخراج و نیز تحلیل آماری توسط نرم افزار Eviews نسخه ۹ و با استفاده از مدل رگرسیونی انجام گرفته است. نتایج پژوهش نشان می دهد رابطه ای معنادار میان پاداش تشویقی، اختیارات حسابداری و سرمایه بانک ها و مؤسسات مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد و مدیران و سرپرستان بانک ها باید به کاربرد و استفاده از اختیارات و اصول حسابداری دقیق و مناسب جهت افزایش سرمایه بانک و همچنین افزایش انگیزه مدیران بپردازند.

**واژه های کلیدی:** پاداش تشویقی، اختیارات حسابداری، سرمایه بانک، انگیزه مدیران.

### مقدمه

این مطالعه عواقب ناخواسته ای را بررسی می کند که نظارت بر جبران انگیزه بانکی برای ساخت مخازن سرمایه ای مورد توجه بوده است. ایده جدید برای انگیزه بانکها این است که باید خود را برای جلوگیری از ضرر و زیان در شرایط رکود اقتصادی آماده کند. بسیاری از بحث های سیاسی مربوط به تغییر الزامات عددی سرمایه در مورد چرخه تجارت با نیازهای بالاتر در زمان رونق می باشد. با این حال سیاست گذاران می دانند که راه دیگری برای ساختن انگیزه بانکی از این امر مستلزم می کند که بانک ها در طول زمان باید ایجاد ضمانت از دست دادن وام خود و یا ایجاد غلبه بر ضعف در شرایط مشابه را داشته باشد. شاید کمتر دیده شده باشد که مدیریت سود از طریق سیاست های اختیارات حسابداری می تواند باعث ایجاد و یا کاهش ریسک شود. به عنوان مثال، برای درآمد گزارش شده، سود و سرمایه را در طول دوره های متفاوت اندازه گیری می کنند، گزارش سود(سرمایه)، احتمالاً در طول دوره های ضعیف اقتصادی گزارش می شود

(تیموتی<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۸). استانداردهای پذیرفته شده حسابداری در کشورهای مختلف به مدیران اجازه میدهد که طیف وسیعی از اختیارات را در انتخاب روش های مختلف حسابداری، برای محاسبه سود در اختیار داشته باشند. البته ممکن است مدیران از تمام این اختیارات برای تحقق اهداف شرکت استفاده نکنند. اختیارات مدیران در مقالات بر اساس دو رویکرد توصیف شده است: رویکرد رفتاری و رویکرد اقتصادی (پاپاناستا<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۷). تقلب ناشی از شیب لغزنده مدیریت سود می باشد که در آن شرکت ها ابتدا سود را به طور قانونی (بدون زیرپا گذاشتن اصول و موازین و استانداردهای حسابداری) برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده مدیریت می کنند و سپس به شدت تلاش می کنند تا نتایج مورد نظر را به دست آورند؛ اگر نتایج دلخواه هنوز به دست نیامده باشد، تنها گزینه ی موجود تحریف عمدی از طریق جعل اسناد می باشد. گرچه انعطاف پذیری در حسابداری مطلوب است؛ اما مدیران باید توجه داشته باشند که شیب مدیریت سود می تواند به اندازه کافی لغزنده باشد تا منجر به تقلب شود (آجکوه<sup>۳</sup>، ۲۰۱۷). آزادی عمل طیف وسیعی از گزینه های استراتژیک در دسترس مدیران، در تلاش آنها برای رسیدن به عملکرد تقاضا شده توسط سهامداران می باشد. موارد فوق نشان می دهد که اختیارات مدیران لزوماً خوب یا بد نیست. از یک طرف آزادی عمل بیشتر در ارتباط با تفکر باز می تواند منتج به استراتژی های رقابتی تر و نوآورانه مانند سرمایه گذاری در پروژه های پرریزه گردد. از طرف دیگر، آزادی بیشتر مرتبط با بی مبالاتی می تواند منتج به استراتژی هایی گردد که منافع ذینفعان را در بر ندارد (پاپاناستا و همکاران، ۲۰۱۷).

### مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

بانکداری نقش مهمی در اقتصاد هر کشور دارد. موفقیت اقتصاد به عملکرد سالم و مؤثر نظام بانکی مرتبط است. بانکها به عنوان نهادهای مالی نقش واسطه گری مالی را به عهده دارند. پس انداز، سرمایه گذاری، تولید، اشتغال و رشد در اقتصاد ملی تحت تأثیر تصمیمات، عملیات بانکها است. اعطای وام یکی از فعالیت های اصلی اکثر بانکها است و این فعالیت از ریسک تأثیر می پذیرد. تغییر در شرایط اقتصادی بر ریسک بانکی اثر می گذارد. ممکن است وضعیت اعتباری یک گیرنده ی وام به مرور زمان و در اثر عوامل مختلف، تضعیف شود. چرخه های تجاری و توسعه ی مالی از عواملی هستند که ریسک اعتباری بانکها را تحت تأثیر قرار می دهند (زراء نژاد و همکاران، ۱۳۹۷). صنعت بانکداری در جایگاه مهمترین نهاد اقتصادی، پولی و مالی کشور با چالش های متعددی از جمله ریسک رو به رو است. ریسک بانکی تحت تأثیر توسعه ی بازارهای مالی و چرخه های تجاری است. بازارهای مالی که در آنها بدهی ها و دارایی های مالی مبادله می شود، کانال هایی برای تخصیص پس انداز به سرمایه گذاری هستند که از تغییرات فنی و عمومی و نیز تغییرات قوانین و مقررات تأثیر می پذیرند. مجموعه عواملی که دسترسی عمیق و وسیع به سرمایه و خدمات مالی را تسهیل می کند، موجب توسعه ی مالی می شود. اگر توسعه ی مالی محقق شود، واسطه های مالی با کاهش آثار ترکیب هزینه ی کسب اطلاعات، هزینه ی اجرای طرح ها و مبادله ی محصولات را کاهش می دهند؛ و با خلق و گسترش نقدینگی، تحرک پس اندازها، افزایش تشکیل سرمایه و ارتقای کارآفرینی، موجب افزایش کارایی کل اقتصاد می شوند و ریسک بانکی را کاهش می دهند. توسعه ی بازارهای مالی با تأثیر مثبت بر فعالیت های اقتصادی، موجب افزایش بهره وری خدمات مالی، مدیریت ریسک، تخصیص سرمایه و بسیج منابع می شود (لوین<sup>۴</sup>، ۱۹۹۷).

طرح پاداش تنها از کل حقوق و مزایای تشویقی مسئولین اجرایی محسوب می شود. یک مدیرعامل علاوه بر حقوق و پاداش ممکن است برگ های معادل سهام، حق افزایش سهام، سهام خیالی، واحدهای عملکردی، سهام عملکردی یا انواع دیگری از پرداخت های تشویقی را نیز دریافت کند. کمیته تشویق و پاداش می تواند معیارهای عملکردی متفاوتی از جمله بازده بورس سهام، بازده حسابداری و معیارهای غیرمالی را برای تعیین میزان دریافت تشویقی توسط مدیر اجرایی انتخاب کند. مدیریت پاداش بر نحوه تهیه طراحی برنامه ها توسط سازمان بر اطمینان از رفتارها و عملکردهای موثر کارکنان در تحقق اهداف سازمان تحقق دارد. اصلاح مدیریت پاداش نشان می دهد که مزایا و منافع پاداش قدردانی کارکنان را می توان مدیریت کرد. بنابراین پاداش تشویقی را می توان این گونه تعریف کرد: فرایند ایجاد و اجرای استراتژی ها، خط مشی ها و سیستم ها که به سازمان در رسیدن به اهدافش از طریق افزایش انگیزه و تعهد افراد کمک می کند. پاداش تشویقی بر این اصل مهم بایستی بنا و استوار شود که منبع نهایی ایجاد ارزش در سازمان، کارکنان سازمان هستند. یعنی فرایند پاداش باید خلاقانه به نیازهای کارکنان و سازمان پاسخ دهد (جوادی و فتاحی، ۱۳۹۵).

اختیارات حسابداری یعنی استفاده از اصول و قوانین حسابداری که بتوان در سیستم های حسابداری به کار برد. در واقع این اختیارات جهت حسابرسی بهتر صورت های مالی انجام می گیرد و از طرفی باعث می شود ریسک سازمان کاهش یابد. استفاده از حدود اختیارات حسابداری برای هر سازمانی ضروری بوده که طبق آیین و تعرفه های لحاظ شده توسط مدیریت و منابع قانونی حسابداری بنیان شده اند. بنابراین مدیران ارشد بانکها باید از اصول پذیرفته شده حسابداری در خصوص حسابداری بانک که توسط تدوین کنندگان حسابداری وضع شده است استفاده نمایند، در حقیقت با رعایت آنها بتوانند در سیستم حسابداری بانک از ریسک بانکی کمتری بهره مند شوند (تیموتی و همکاران، ۲۰۱۸).

سرمایه، رکن مهمی از پشتوانه مالی هر بانک است که به بانک اجازه می دهد هنگام رویارویی با مشکل های کلان اقتصادی توانایی بازپرداخت بدهی خود را داشته باشد. امروزه جهت ارزیابی عملکرد بانک ها و مؤسسه های اعتباری از یکسری شاخص های مالی استفاده می شود که نسبت کفایت سرمایه در میان آنها از اهمیت خاصی برخوردار است. این نسبت برای نخستین بار در سال ۱۹۸۸ به وسیله کمیته مقررات بانکداری و نظارت بر عملیات بانکی که در بانک تسویه بین المللی فعالیت می کند، به بانک های فعال دنیا معرفی شد. نسبت کفایت سرمایه عبارت است از نسبت سرمایه بانک به کل دارایی های موزون شده بر حسب ریسک که این نسبت نباید از ۸ درصد کمتر باشد. در حال حاضر بسیاری از بانک های جهان برای دستیابی به نسبت پیش گفته ناگزیر از افزایش سرمایه یا تغییر در ترکیب دارایی ها و بدهی ها هستند. و در این ارتباط از روش هایی مانند کاهش ریسک اعتبارهای بین بانکی، فروش دارایی های با ضرایب ریسک بالا، فروش اوراق بهادار استفاده می کنند. از آنجایی که دستیابی به نسبت کفایت سرمایه به صورت نشانه ای از کامیابی اعتباری بانک ها تلقی می شود بنابراین، این معیار، مبنای تصمیم گیری مهمی جهت انجام معامله با بانک یا کشور مورد نظر شمرده می شود. یکی از مأموریت های اصلی و دیرین بانک های مرکزی، کسب اطمینان درباره ثبات و توانایی پرداخت بدهی های نظام بانکی است. برای نایل شدن به این هدف، بانک مرکزی هر کشوری کلیه بانک ها را مجاب کرده است، تا حداقل سرمایه مورد نیاز جهت تحمل زیان های ناشی از شرایط رکود را نگهداری کنند. با این وصف، چنانچه بانک مرکزی کشوری مقررات سخت گیرانه و شدیدی را درباره حفظ سرمایه وضع کند، این امر سبب می شود تا بانک ها تمایل پیدا کنند که برای انجام فعالیت به کشوری با مقررات انعطاف پذیر و سهل تر نقل مکان کنند (منظور و یادی پور، ۱۳۸۷). پژوهشگر باید مشخص کند پاداش تشویقی که مدیران بانکها برای کارمندان به کار می برند، چه اثری بر سرمایه بانک دارد و از طرفی اثر اختیارات حسابداری و اطلاعات حسابداری نیز بر سرمایه بانک مشخص شود. که آیا باعث کاهش و یا افزایش سرمایه می شود یا خیر.

## مروری بر نتایج تجربی تحقیق در ایران و جهان:

نادی قمی و همکاران (۱۳۹۷)، به بررسی تأثیر اهرم مالی و نقدینگی بر مدیریت سود و سرمایه بانک های تجاری ایران پرداختند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها نشان می دهد، بین نسبت های نقدینگی و اهرم مالی در بانک های تجاری و مدیریت سود و سرمایه رابطه معناداری وجود دارد.

فرهنگ و همکاران (۱۳۹۷)، سرمایه بانک، ریسک نقدینگی و اعتباری را در بانک های ایران مورد بررسی قرار دادند. یافته های پژوهش نشان می دهد؛ بین سرمایه بانک و ریسک در صنعت بانکداری ایران، رابطه عکس و معنی داری وجود دارد، به طوری که با افزایش سرمایه بانک به اندازه یک درصد، مقدار ریسک نقدینگی براساس شاخص های تعریف شده مختلف می تواند از ۰/۱ درصد تا ۰/۴ درصد کاهش یابد. در مورد ریسک اعتباری نیز افزایش سرمایه بانک موجب کاهش ریسک اعتباری از ۵/۷ تا ۶/۸ درصد می گردد و بر اساس یافته های این پژوهش و آزمون های صورت گرفته، نظریه مخاطرات اخلاقی در صنعت بانکداری ایران تأیید می گردد. و تئوری چارتر در خصوص نظام بانکی ایران مورد تأیید قرار نمی گیرد. همچنین در این تحقیق، اندازه بانک با ریسک نقدینگی ارتباط مستقیم و معنی داری را نشان می دهد، به طوری که یک واحد افزایش شاخص اندازه بانک موجب افزایش ریسک نقدینگی به میزان ۰/۰۰۳ تا ۰/۰۰۸ شده است. بین متغیرهای اقتصاد کلان و ریسک نقدینگی و اعتباری نیز ارتباط معنی داری وجود دارد. نتایج پژوهش حاکی از آن می باشد که، مدیریت ریسک در بانک ها نه تنها به عوامل درونی بانکی بستگی دارد بلکه تحت تأثیر عوامل کلان اقتصادی نیز می باشد.

صحراکاران و رضایی (۱۳۹۷)، تأثیر ریسک اطلاعات مالی بر رابطه نمایندگی با ساختار سرمایه شرکت ها را بررسی کردند. نتایج نشان می دهد با افزایش تضاد منافع بین مدیران، کسری مالی و به تبع آن، میزان تأمین مالی از محل بدهی ها افزایش می یابد؛ بنابراین بین کسری مالی و تغییرات ساختار سرمایه، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. تأثیر ریسک اطلاعات مالی شرکت ها در رابطه کسری مالی و تغییرات ساختار سرمایه نیز منفی و معنادار است. تأثیر ریسک اطلاعات مالی شرکت ها در رابطه کسری مالی و تغییرات ساختار سرمایه با مداخله عدم تقارن به عنوان عامل نمایندگی اول تأیید شد؛ اما با مداخله عدم تقارن به عنوان عامل نمایندگی دوم تأیید نشد.

عسگری و عظیمی (۱۳۹۷)، رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی، پاداش هیئت مدیره و اجتناب مالیاتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی نمودند. نتایج نشان می دهد کیفیت حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی رابطه منفی دارد و هرچه میزان کیفیت حاکمیت شرکتی بیشتر باشد اجتناب مالیاتی کمتری صورت میگیرد. نتایج این پژوهش نشان داد که پاداش هیئت مدیره با اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری دارد، به عبارت دیگر هر چه میزان پاداش هیئت مدیره بیشتر باشد انگیزه مدیران برای کاهش و فرار از پرداخت مالیات کاهش مییابد.

مرادی و همکاران (۱۳۹۶)، به بررسی رابطه پاداش هیات مدیره در شرکت های پذیرفته شده در عراق با مدل های اقتصادی ارزیابی عملکرد پرداختند. نتایج حاکی از این بود که بین پاداش پرداختی به هیات مدیره و ارزش افزوده بازار و ارزش افزوده اقتصادی تعدیل شده رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و بین پاداش پرداختی به هیات مدیره و ارزش افزوده اقتصادی رابطه معناداری وجود دارد.

تیموتی و همکاران (۲۰۱۸)، در پژوهشی با عنوان پاداش انگیزه مدیران، اختیارات و اصول حسابداری، سرمایه بانک، به تجزیه و تحلیل ارتباط میان آنها پرداختند. نتایج پژوهش نشان می دهد که در بخش های از راهنمایی ها و اختیارات حسابداری به کار گرفته شده در خصوص مدیریت سود مبتنی بر درآمد، انگیزه های پاداش مدیران را ایجاد می کند که با سرمایه بانک سازگار است. با این حال، بخش هایی که به پرداخت پاداش مدیران می پردازند و آنها را تشویق می کنند،

به شکل ابزارهایی مرتبط با سهام می شود که باعث ایجاد پاداش برای مدیران ارشد جهت کاهش باقیمانده سرمایه در طول دوره هایی که درآمد بالاتر است، می شود.

امانوئل<sup>۱</sup> ایتزیدیس (۲۰۱۸)، در پژوهش خود به بررسی ارتباط میان اختیارات حسابداری و پاداش نقدی هیأت مدیره: بررسی تجربی از حاکمیت شرکتی، رتبه بندی اعتباری و ارزش شرکت، پرداخته است. این مطالعه که با توجه به ارتباط میان پاداش نقدی هیأت مدیره و عملکرد شرکت ها، هموارسازی سود، تعهدات اختیاری و ارزش شرکت به این نتیجه دست یافته است که میان پاداش نقدی هیأت مدیره و عملکرد شرکت و اندازه شرکت و بدهی آن ارتباط منفی وجود دارد؛ و میان پاداش هیأت مدیره و تعهدات اختیاری و ارزش شرکت ارتباطی معنادار وجود دارد. و نشان دادند که شرکت هایی که پاداش نقدی به هیأت مدیره پرداخت می کنند، زمانیکه اعتبار واقعی آنها از اعتبار مورد انتظار متفاوت باشد، احتمال دستکاری سود وجود دارد تا بتوانند رتبه بندی و امتیاز شرکت خود را بالا ببرند. همچنین آنها با افزایش و بدست آوردن مزد و پاداش در یک شرکت مشغول می شوند تا با کسب اعتبار و رتبه بیشتر بتوانند در زمان بازنشستگی از آن استفاده نمایند.

آجکوه (۲۰۱۷)، برای ارزیابی اینکه چگونه مدیریت سود ناخوشایند خواهد بود و در طول زمان مدیریت سود به تقلب تبدیل می شود، چهار نمونه از شرکت های متقلب را به صورت کیفی مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق آنان نشان داد هر زمان نیاز به برآوردن انتظارات بیرونی و درونی وجود دارد، مدیران بدتر شدن وضعیت مالی شرکت را پنهان می کنند تا قیمت سهام را افزایش داده و همچنین پاداش خود را بر اساس نتایج عملکرد مالی افزایش دهند؛ انعطاف پذیری در استانداردهای حسابداری فرصتی برای مدیریت سود را به طور قانونی، تهاجمی و سپس تقلب در اختیار مدیران قرار داده است.

وو<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۷)، انگیزه استفاده از اقلام تعهدی اختیاری را قبل از عرضه سهام در شرکت های با رشد بالا و شرکتهای بدون رشد بررسی کردند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که شرکت های بدون رشد برای گمراه کردن سرمایه گذاران از اقلام تعهدی اختیاری استفاده می کنند، اما شرکت های با رشد بالا برای نشان دادن اطلاعات خصوصی خود به بازار، علاقه مند به استفاده از اقلام تعهدی اختیاری می باشند. به طوری که رابطه مثبت بین اقلام تعهدی اختیاری و عملکرد عملیاتی طولانی مدت برای شرکت های با رشد بالا وجود دارد.

کرونل<sup>۳</sup> و همکارانش (۲۰۱۷)، در پژوهش کیفیت حسابداری و تمایلات سرمایه گذاران و نرخ بازده مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد زمانی که کیفیت اطلاعات حسابداری پایین تر است، رابطه بین تمایلات سرمایه گذاران و نرخ بازده سهام قوی تر است.

فرضیه های پژوهش بر اساس پژوهش تیموتی و همکاران (۲۰۱۸)، به صورت ذیل تدوین می گردد:

**فرضیه اصلی:** میان پاداش تشویقی، اختیارات حسابداری و سرمایه بانک ها و موسسات مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ارتباط معناداری وجود دارد.

**فرضیه ویژه اول:** میان پاداش تشویقی و سرمایه بانک ها و موسسات مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ارتباط معناداری وجود دارد.

**فرضیه ویژه دوم:** میان اختیارات حسابداری و سرمایه بانک ها و موسسات مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ارتباط معناداری وجود دارد.

## روش تحقیق

روش تحقیق منظور شده در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی می باشد، از لحاظ هدف، از نوع تحقیق کاربردی است. با توجه به مساله و هدف اصلی این تحقیق که بدنبال بررسی ارتباط میان پاداش تشویقی، اختیارات حسابداری و سرمایه بانک ها و موسسات مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد، از روش تحقیق همبستگی استفاده می شود.

جامعه آماری منتخب در این پژوهش شامل کلیه بانک ها و موسسات مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که در خلال سال های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۳ می باشد. بنابراین جهت تعیین حجم نمونه بایستی دارای شرایط ذیل باشند:

✓ اطلاعات مالی بانکها در بازه زمانی مورد بررسی در دسترس باشد.

✓ از زمان عضویت آنها در بورس حداقل ۲ سال گذشته باشد.

لازم به ذکر است پس از انجام غربال فوق در جامعه آماری، نمونه آماری به روش حذفی یا سیستماتیک انتخاب می گردد که تعداد آنها به ۲۱ مورد می رسد.

مدل رگرسیونی بر اساس مدل تیموتی و همکاران (۲۰۱۸):

$$ROA_t = \alpha_0 + \alpha_1 OIL_t + \alpha_2 Size_t + \alpha_3 EQR_t + \alpha_4 CPR_t + \alpha_5 CYCLE_t + \alpha_6 CR_t + \alpha_7 LNGDP_t + \alpha_8 P_t + \varepsilon_0$$

## روش اندازه گیری متغیرهای پژوهش

طبق پژوهش تیموتی و همکاران مدل بانک توسط یک مدیر ریسک بی نظیر طراحی شده که با نرخ مثبت الویت زمان اجرا می شود (تیموتی و همکاران، ۲۰۱۸).

$$-MAXDA \leq DA \leq MAXDA$$

که در آن:

MAXDA = حداکثر مقدار تعدیل و تعهد اختیاراتی که توسط مدیر ایجاد می شود.

DA = مقدار تنظیم اختیاراتی است که به صورت واقعی توسط مدیر ایجاد شده است.

## متغیرهای مستقل

روش اندازه گیری متغیر اختیارات حسابداری و پاداش تشویقی:

$$RE_1 = LE_1 + DA$$

و

$$RE_2 = LE_2 - DA$$

RE = گزارش سود قبل از پاداش در زمان t

بنابراین با توجه به فرمول زیر اندازه گیری می شود.

$$BP(RE_t) = FB + vb(RE_t - TE_t) \text{ if } RE_t \geq TE_t$$

$$BP(RE_t) = vp(RE_t - TE_t)$$

$$FB, vb, vp \geq 0$$

که در آن:

FB = پاداش ثابت در زمانی که REt بزرگتر از TEt باشد.

Vb = نرخ پاداش متغیر در زمانی که REt بزرگتر از TEt باشد.

Vp = نرخ بازپرداخت متغیر در زمانی که REt کمتر از TEt باشد.

$$E(ME) = BP(RE_1) + 1/1 + r_{-TLE} - \infty vp(RE_2 - TE_2)p(LE_2)dLE_2 + 1/1 + r_{-TLE} (FB+vb (RE_2 - TE_2)) p(LE_2) dLE_2$$

با

$$TLE = TE_2 + DA$$

که بر اساس  $MAXDA \leq DA \leq MAXDA$  -سنجیده خواهد شد.  
که در آن:

$$E(ME) = \text{ارزش تنزیل مورد انتظار از درآمد مدیران}$$

$$p(LE_2) = \text{درصد احتمال درآمد ناخواسته بانک در زمان ۱ } LE_2$$

$$TLE_2 = \text{درصد احتمال درآمد مورد انتظار در زمان ۲ } TE_2$$

در ادامه برای متغیر پاداش نیز به همین صورت اندازه گیری می شود.

$$\max E(ME) = \min (\max (0, vb (RE_t - TE_t L)), vb TE_t U) + 1/1 + r_{vb\_TLEU} TLEL\_RE_{t+1} - TE_{t+1, L\_} p(LE_{t+1}) dLE_{t+1}$$

که در آن

$$TLEL = TE_2 L + DA$$

$$TLEU = TE_2 U + DA$$

مقدار  $DA$  پاداشی است که مدیر از درآمد ناخواسته در زمان ۱ و زمانی که حداکثر اختیار حسابداری رعایت شده است (تیموتی و همکاران، ۲۰۱۸).

مقدار  $LE$  درآمدی است که مدیر به عنوان پاداش از تنظیم اختیارات حسابداری دریافت می کند.

مقدار  $TLEL$  مقدار کل پاداش است که مدیر در زمان ۱ دریافت می کند.

مقدار  $TLEU$  مقدار کل پاداش است که مدیر در زمان ۲ دریافت می کند.

پس از اندازه گیری متغیرهای فوق مدلی که برای این پژوهش در نظر گرفته شده تشریح می گردد:

$$LE_1 = E_0(LE_1) + \varepsilon_1$$

که در آن:

$$LE_1 = \text{درآمد ناخالص ناخواسته در زمان ۱}$$

$$E_0(LE_1) = \text{درآمد ناخواسته مورد انتظار از زمان صفر و ۱}$$

$$\varepsilon_1 = \text{میزان خطا در درآمد ناخواسته از زمان صفر تا ۱.}$$

همچنین درآمد ناخواسته برای دوره های ۲ و ۳ نیز به شرح ذیل دنبال می شود:

$$LE_2 = LE_1 + \varepsilon_2, = E_0(LE_1) + \varepsilon_1 + \varepsilon_2$$

و

$$LE_3 = LE_2 + \varepsilon_3 = E_0(LE_1) + \varepsilon_1 + \varepsilon_2 + \varepsilon_3$$

### متغیر وابسته

برای ارزش سهام یا سرمایه بانک نیز به شرح ذیل اندازه گیری می شود:

$$SP_3 = LE_1 + LE_2 + LE_3$$

برای ارزشیابی ارزش سهام، قبل از هر گونه درآمدی به صورت زیر تخمین زده می شود:

$$SP_0 = E_0(LE_1) + E_0(LE_2) + E_0(LE_3) = 3E_0(LE_1).$$

بر اساس فرمول فوق، قیمت سهام در زمان صفر، تنها درآمد ناپایداری که در زمان ۱ محاسبه می شود را با توجه به میزان خطای آن نشان می دهد (تیموتی و همکاران، ۲۰۱۸).

$$SP_1 = E_1(LE_1|RE_1) + E_1(LE_2|RE_1) + E_1(LE_3|RE_1) = 3E_1(LE_1|RE_1).$$

و در زمان ۲ سرمایه گذاران به سمت سرمایه گذاری روی می آورند و در نتیجه افزایش در آمد بانک منجر می شود (تیموتی و همکاران، ۲۰۱۸):

$$SP_2 = E_2(LE_1|RE_1, RE_2) + 2E_2(LE_2|RE_1, RE_2).$$

### متغیر کنترل بانکی

اندازه بانک: از لگاریتم دارایی های بانک بدست می آید.  
نسبت تسهیلات به دارایی ها: برای اندازه گیری این شاخص، از تسهیلات ارائه شده در قالب وام های تجاری به کل دارایی های بانک بدست می آید (تیموتی و همکاران، ۲۰۱۸).  
چرخه های تجاری: وجود رکود و رونق در دوره های مختلف اقتصادی را چرخه تجاری گویند؛ و برای اندازه گیری آن از درصد وجود رونق در طول یک سال در روزهای تجاری استفاده میشود.  
ریسک اعتباری: برای اندازه گیری آن از درصد باز نگرداندن وام ها و تسهیلات اعطایی به بانک بدست می آید (تیموتی و همکاران، ۲۰۱۸).

### متغیرهای کنترل ملی

لگاریتم تولید ناخالص: تولید ناخالص داخلی در بر گیرنده مجموع ارزش کالاها و خدمات نهایی است که در طی یک دوره معین، معمولاً یک سال، در یک کشور تولید می شود و از لگاریتم میزان آن بدست می آید.  
سطح قیمت (تورم): در این پژوهش از شاخصی که توسط بانک مرکزی بابت نرخ تورم در ایران منتشر شده است استفاده می شود که روش اندازه گیری آن از درصد اختلاف قیمت سال جاری با سال ما قبل بدست می آید (آندیو<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۸).  
لازم به توضیح است، هدف از قراردادن متغیرهایی همچون تورم و تولید ناخالص داخلی این است که سرمایه گذاری بانکها علاوه بر متغیرهای بانکی تحت تاثیر متغیرهای ملی در کشور ایران نیز قرار میگیرد و نوسانات تورم بر میزان سرمایه گذاری در بانکها تاثیر گذار است.

### یافته های پژوهش

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرها

نام متغیر	معیارهای تمرکز		معیارهای شکل توزیع		معیار پراکندگی
	میانگین	میانه	برجستگی	چولگی	
سرمایه	۱/۵۸	۱/۳۵	۰/۸۱	۲/۲۳	۶/۹۶
پاداش تشویقی	۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۰۵	۴/۵۹	۲۶/۶۱
اندازه بانک	۰/۰۶	۰/۰۴	۰/۰۸	۳/۶۲	۱۹/۰۶
اختیارات حسابداری	۰/۲۱	۰/۱۷	۰/۱۶	۱/۱۴	۴/۱۲
نسبت تسهیلات به دارایی ها	۰/۵۱	۰/۵۱	۰/۱۸	۰/۲۸	۲/۳۲
چرخه های تجاری	۰/۲۸	۰/۲۵	۰/۱۶	۱/۳۹	۶/۳۸
ریسک اعتباری	۵/۷۰	۵/۸۰	۱/۵۰	۴/۱۲	۳۱/۳۵

در جدول بالا آمار توصیفی متغیرهای پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. سرمایه، پاداش تشویقی، اندازه بانک، نسبت مالکانه، نسبت تسهیلات به دارایی ها، چرخه های تجاری و ریسک اعتباری متغیرهایی بودند که شاخص های میانگین، میانه، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی آنها به عنوان مهمترین شاخص های توصیف کننده ی متغیرها مورد بررسی قرار

گرفته است. چنانچه ملاحظه می شود در اکثر موارد مقادیر میانه و میانگین به هم نزدیک می باشد که نشان دهنده توزیع متناسب داده هاست. چولگی بدست آمده برای تمامی متغیرها مثبت شده است که نشان دهنده توزیع نامتقارن داده ها به سمت مقادیر مثبت یا چولگی مثبت می باشد.

### آزمون های مانایی و ایستایی فیلیپس و پرون

جدول (۲): نتیجه آزمون مانایی فیلیپس و پرون

نتیجه	معنی داری	آماره	متغیر
مانا	۰/۰۴	-۱/۵۷	سرمایه
مانا	۰/۰۲	-۲/۰۳	پاداش تشویقی
مانا	۰/۰۰۲	-۲/۷۶	اندازه بانک (لگاریتم دارایی ها)
مانا	۰/۰۳	-۱/۹۸	اختیارات حسابداری
مانا	۰/۰۰۱	-۲/۹۲	نسبت تسهیلات به دارایی ها
مانا	۰/۰۰۰	-۱۰/۲۷	چرخه های تجاری
مانا	۰/۰۳	-۱/۸۰	ریسک اعتباری

برای رد فرض صفر کفایت سطح معنیداری از ۰/۰۵ کمتر باشد. همانگونه که در جدول بالا ملاحظه میگردد سطح معنیداری در تمام موارد کمتر از ۰/۰۵ میباشد. بنابراین مانا بودن کلیه متغیرهای پژوهش، مورد تایید است. با توجه به مانا بودن تمام متغیر مورد بررسی میتوان تخمین مدل رگرسیونی را انجام داد.

### آزمون عدم همخطی بین متغیرها

جدول (۳): همبستگی بین متغیرهای مدل

Correlation Probability	P	OIL	LNGDP	EQR	CYC	CR	CPR	ROA	SIZE
P	1.000000 ----								
OIL	0.022887 0.8248	1.000000 ----							
LNGDP	0.155407 0.1306	-0.002949 0.9773	1.000000 ----						
EQR	0.039895 0.6996	-0.060009 0.5614	0.015598 0.8801	1.000000 ----					
CYC	0.252311 0.0131	-0.001534 0.9882	0.037549 0.7164	-0.037975 0.7134	1.000000 ----				
CR	0.054155 0.6002	-0.191730 0.0613	0.021388 0.8361	0.347742 0.0005	0.050307 0.6264	1.000000 ----			
CPR	0.094353 0.3605	0.086255 0.4034	0.003667 0.9717	0.931137 0.0000	0.026093 0.8008	0.240289 0.0184	1.000000 ----		
ROA	0.105504 0.3063	0.774465 0.0000	0.016667 0.8720	0.051924 0.6154	0.040530 0.6950	-0.293297 0.0037	0.306080 0.0024	1.000000 ----	
SIZE	0.139410 0.1755	-0.125000 0.2250	0.002777 0.9786	0.069439 0.5014	0.706661 0.0000	-0.048123 0.6415	0.087597 0.3961	-0.028117 0.7857	1.000000 ----

### بررسی مدل ها

جدول (۴): نتایج آزمون چاو برای مدل رگرسیونی

نتیجه	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره آزمون	مدل
استفاده از مدل پانل	۰/۰۰۰	(۲۰ و ۶۹)	۸/۷۳	رگرسیونی

جدول (۵): نتایج آزمون هاسمن مدل رگرسیونی

نتیجه	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره آزمون
-------	--------------	------------	-------------

مدل رگرسیونی	۰/۰۰۰	۶	۱/۰۰۰	استفاده از اثرات ثابت
--------------	-------	---	-------	-----------------------

### آزمون فرضیه ها

نتایج حاصل از برازش مدل رگرسیونی مربوط به فرضیه های ویژه در جدول ۶ آمده است. نتایج بدست آمده از تخمین الگوی رگرسیونی مربوط به فرضیه های ویژه نشان از تأیید روابط بین پاداش تشویقی، اختیارات حسابداری و سرمایه بانک ها و موسسات مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد.

جدول (۶): نتایج برازش مدل رگرسیونی

متغیر پاسخ = سرمایه بانک				
متغیرهای مستقل	ضرایب رگرسیونی	انحراف معیار	آماره آزمون t	سطح معناداری
ثابت معادله ( $\alpha$ )	۰/۷۷۳۶	۰/۴۳۷۴	۱/۷۶۸۴	۰/۰۷۹۳
پاداش تشویقی	۰/۷۷۴۱	۰/۰۴۸۸	۱۵/۲۲۶۱	۰/۰۰۰
اندازه بانک	۰/۰۰۴۲	۰/۰۰۵۷	۰/۷۳۱۹	۰/۴۶۵۵
اختیارات حسابداری	-۱/۸۶۱۳	۰/۱۶۱۹	-۱۱/۴۹۰۲	۰/۰۰۰
نسبت تسهیلات به دارایی ها	۳/۴۷۹۱	۰/۲۳۱۶	۱۵/۰۱۹۱	۰/۰۰۰
چرخه های تجاری	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۲	۰/۸۴۰۴	۰/۴۰۲۲
ریسک اعتباری	-۰/۰۷۱۴	۰/۰۲۵۶	-۲/۲۸۳۱	۰/۰۰۶۲
لگاریتم تولید ناخالص	-۰/۰۳۲۵	۰/۰۳۱۶	-۱/۰۲۹۸	۰/۳۰۵
سطح قیمت ها	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۴	۰/۵۲۴۹	۰/۶۰۰۵
آماره آزمون $F = ۱۰۱/۷۱$		سطح معناداری = ۰/۰۰۰		
ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۹۱		آماره $D.W = ۱/۷۰$		

از آنجا که آماره دوربین واتسن ۱.۷۰ و بین ۱.۵ تا ۲.۵ قرار دارد، می توان به عدم خودهمبستگی بین خطاها به عنوان یکی دیگر از پیش فرض های رگرسیون نیز پی برد.

نتایج پژوهش حاکی از آن است که میان پاداش تشویقی، اختیارات حسابداری و سرمایه بانک ها و موسسات مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معنادار وجود دارد. همانگونه که نشان می دهد ضریب تعیین تعدیل شده در مدل برابر ۰/۹۱ است که بیان می کند ۹۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای سمت راست مدل توضیح داده می شود. اگرچه ۹٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای سمت راست توضیح داده نشد، اما با توجه به آماره F فیشر و سطح معناداری آن، می توان گفت این مدل قابلیت برازش رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته را دارد.

جدول (۸): بررسی فرضیه ها

ردیف	فرضیه	نتیجه
اصلی	میان پاداش تشویقی، اختیارات حسابداری و سرمایه بانک ها و موسسات مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ارتباط معناداری وجود دارد.	تایید
ویژه اول	میان پاداش تشویقی و سرمایه بانک ها و موسسات مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ارتباط معناداری وجود دارد.	تایید
ویژه دوم	میان اختیارات حسابداری و سرمایه بانک ها و موسسات مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ارتباط معناداری وجود دارد.	تایید

### بحث و نتیجه گیری

می توان گفت میان پاداش تشویقی، اختیارات حسابداری و سرمایه بانک ها و موسسات مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ارتباطی معنادار وجود دارد. بدین معنی که پاداش تشویقی و استفاده از اختیارات حسابداری و قوانین و مقررات آن می تواند در جذب مشتری موثر واقع شود و در نتیجه سرمایه بانک ها و موسسات مالی را تحت تأثیر قرار دهد. با پرداخت پاداش تشویقی به کارکنان و مدیران بانکها، باعث ایجاد انگیزه می شود و مشتریان بیشتری جذب و در نتیجه سرمایه بانک را افزایش می دهند؛ اما استفاده از اختیارات حسابداری، که بیشتر به رعایت اصول و مقررات بانکی مربوط است باعث می شود مدیران فرصتی برای تبلیغ و جذب مشتری پیدا نکنند و بیشتر به بررسی فعالیت های روزمره خود بپردازند و در نتیجه با کاهش مشتریان، سرمایه بانک نیز کمتر از متغیر اول شود. طبق تحلیل داده ها در فصل قبل، مشخص گردید که دو متغیر پاداش تشویقی و اختیارات حسابداری بر سرمایه بانک ها و موسسات مالی اثرگذار است و میان آنها ارتباطی معنادار برقرار است. نتیجه این پژوهش نشان داد که با نتایج پژوهش هایی مانند تیموتی و همکاران (۲۰۱۸)، بهارمقدم و جوکار (۱۳۹۷)، حقیقی طلب و همکاران (۱۳۹۷)، کروئل و همکاران (۲۰۱۷)، هم راستا و سازگار می باشد.

می توان گفت میان پاداش تشویقی و سرمایه بانک ها و موسسات مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ارتباطی مثبت و معنادار وجود دارد. طبق این فرضیه یعنی زمانی که به مدیران پاداش تشویقی پرداخت شود می تواند در سرمایه گذاری بانکها موثر باشد زیرا مدیران اشتیاق بیشتری برای فعالیت بانکی نشان می دهد و این مسئله باعث می شود بین بانکها مزیت رقابتی سالم به وجود آید و در نتیجه هر مدیری تلاش می کند میزان مشتریان خود را افزایش دهد و باعث شود سرمایه بانک افزایش پیدا کند. نتیجه این پژوهش نشان داد که با نتایج پژوهش هایی مانند تیموتی و همکاران (۲۰۱۸)، براری نوکاشتی و همکاران (۱۳۹۷)، وو و همکاران (۲۰۱۷)، هم راستا و سازگار می باشد.

می توان گفت میان اختیارات حسابداری و سرمایه بانک ها و موسسات مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ارتباطی منفی و معنادار وجود دارد. بر اساس فرضیه فوق هرچه میزان اختیارات حسابداری دقیق تر باشد، زمان بیشتری سپری می شود و این مسئله باعث می شود مدیران برای بررسی فعالیت های خود از حسابرسی نیز کمک بگیرند؛ فعالیت زیاد انگیزه کارکنان را تضعیف می کند و در نتیجه فرصتی برای تبلیغات و جذب مشتری بیشتر وجود ندارد و باعث می شود سرمایه بانک کاهش پیدا کند. پس رابطه بین اختیارات حسابداری و سرمایه بانک معکوس و معنی دار است. نتیجه این پژوهش نشان داد که با نتایج پژوهش هایی مانند تیموتی و همکاران (۲۰۱۸)، امانوئل (۲۰۱۷)، و فرهنگ و همکاران (۱۳۹۷)، هم راستا و سازگار می باشد.

با توجه به نتایج بدست آمده مربوط به فرضیه اصلی، میتوان پیشنهاد نمود به سازمانهای نظارتی و بانک مرکزی که به متغیرهای پاداش تشویقی و اختیارات حسابداری در خصوص افزایش سرمایه بانک توجه نمایند؛ و براساس نتایج تحقیق برای مدیران و کارکنان پاداش تشویقی لحاظ کنند تا بدین وسیله بتوانند باعث جذب مشتری، افزایش سرمایه و در نهایت سودآوری شوند؛ و از طرفی به منظور استفاده از اختیارات حسابداری، آموزشهای لازم را در اختیار کارکنان و مدیران قرار دهند تا بتوانند در مدت زمان کوتاهی از صحت و سقم ثبت و تلخیص فعالیت های خود مطمئن باشند.

با توجه به نتایج بدست آمده مربوط به فرضیه فرعی اول، می توان پیشنهاد نمود با توجه به ارتباط مثبت بین آنها، برای مدیران و کارکنان بانکها پاداش تشویقی لحاظ نمایند تا با ایجاد انگیزه بتوانند سرمایه بانکها را افزایش و موجب سودآوری بانک ها شوند؛ به طوری که برای کارمندان و مدیران بر اساس فعال بودن آنها، امتیاز و یا رتبه بندی در نظر بگیرند.

با توجه به نتیجه بدست آمده مربوط به فرضیه فرعی دوم، می توان پیشنهاد نمود با توجه به ارتباط معکوس بین آنها، برای کارکنان و مدیران، به خصوص کارکنان تازه وارد کلاس های آموزشی در نظر بگیرند تا بتوانند فعالیت های خود را براساس قوانین و مقررات منظور شده انجام شود، تا بدین وسیله سرمایه بانک را افزایش دهند.

با توجه به نتایج پژوهش می توان برای پژوهشگران آتی پیشنهاد نمود:

- ✓ میتوان پیشنهاد نمود ارتباط میان پاداش تشویقی، اختیارات حسابداری و سرمایه بانک ها و موسسات مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را در دوره های طولانی تری مورد بررسی قرار داد.
- ✓ تکرار همین پژوهش، شناسایی روابط بین پاداش تشویقی، اختیارات حسابداری و سرمایه بانک ها و موسسات مالی را با توجه به عوامل کلان اقتصادی نظیر تورم، نرخ بهره، نرخ ارز
- ✓ پیشنهاد می شود، ارتباط میان پاداش تشویقی، اختیارات حسابداری و سرمایه بانک ها و موسسات مالی را با توجه به نقش بانک مرکزی بررسی نمود.

## منابع

- ✓ جوادى، نوید، فتاحی، سیروس، (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر پاداش مدیران بر ساختار سرمایه و عملکرد مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، راهبرد مدیریت مالی، دوره ۴، شماره ۱۴، صص ۶۹-۹۴.
- ✓ زراء نژاد، منصور، خدایانه، مسعود، خدیوی، نیلوفر، (۱۳۹۷)، بررسی تأثیر توسعه ی مالی و چرخه های تجاری بر ریسک اعتباری بانکی ایران، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی، دوره ۷، شماره ۲۶، صص ۷۱-۸۷.
- ✓ صحراکاران، مینا، رضایی، فرزین، (۱۳۹۷)، تاثیر ریسک اطلاعات مالی بر رابطه نمایندگی با ساختار سرمایه شرکت ها، فصلنامه ی علمی پژوهشی مدیریت دارایی و تأمین مالی، دوره ۶ شماره ۴، صص ۹۳-۱۰۲.
- ✓ عسکری، محمدرضا، عظیمی، نرگس، (۱۳۹۷)، رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی، پاداش هیئت مدیره و اجتناب مالیاتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران؛ فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، دوره ۴، شماره ۱، صص ۱۷۹-۱۹۱.
- ✓ فرهنگ، امیرعلی، عثی اشری، ابوالقاسم، رنجبر فلاح، محمدرضا، بیابانی، جهانگیر، (۱۳۹۷)، سرمایه بانک، ریسک نقدینگی و اعتباری را در بانک های ایران، نظریه های کاربردی اقتصادی، دوره ۵، شماره ۲، صص ۱-۲۰.
- ✓ مرادی، مهدی، صالحی، مهدی، دخیل، احمد سمیر عبدالحسین، (۱۳۹۶)، بررسی رابطه پاداش هیات مدیره در شرکت های پذیرفته شده در عراق با مدل های اقتصادی ارزیابی عملکرد، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی.
- ✓ منظور، داوود، یادی پور، مهدی، (۱۳۸۷)، کفایت سرمایه در بانکداری اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۱۴۳-۱۶۲.
- ✓ نادى قمى، ولى، حاجى زاده، بهاره، گمار، عباس، (۱۳۹۷)، بررسی تأثیر اهرم مالی و نقدینگی بر مدیریت سود و سرمایه بانک های تجاری ایران، فصلنامه مطالعات مالی و بانکداری اسلامی، دوره ۳، شماره ۷، صص ۱۳۱-۱۵۶.
- ✓ Anidiobu, G.A. Okolie, P.I.P. & Oleka, D.C.(2018). Analysis of Inflation and Its Effect on Economic Growth in Nigeria. e-ISSN: 2321-5933, p-ISSN: 2321-5925. Volume 9, Issue 1 Ver. IV (Jan.- Feb .2018), PP 28-36
- ✓ Ajekwe, C. (2017). Accounting Flexibility: Slippery Slope to Fraud?. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2972726>.

- ✓ Cornell, B., Landsman, W., & Stubben, S. (2017). Accounting information, investor sentiment and market pricing. *Journal of Law, Finance, and Accounting*, 2 (2), 325-345.
- ✓ Emmanuel Iatridis, G.(2018). Accounting discretion and executive cash compensation: An empirical investigation of corporate governance, credit ratings and firm value. *J. Int. Financ. Markets Inst. Money* ,
- ✓ Levine, R. (1997). “Financial Development and Economic Growth: Views and Agenda”. *Journal of Economic Literature*, 35(2): 688-726.
- ✓ Papanastasopoulos. G And Thomakos, D. (2017). Managerial discretion net operating assets and the cross-section of stock returns: Evidence from European countries. *Journal of International Financial Markets, Institutions and Money*, 47, 188-210.
- ✓ Timothy W. Koch, Daniel F. Waggoner, Larry D. Wall .(2018). Incentive compensation, accounting discretion and bankcapital. *Journal of Economics and Business* 95 (2018) 119–140.
- ✓ Wu, R. S., & Lin, Y. H. (2017). Managerial Optimism or Managerial Opportunism: From a Seasoned Equity Offerings Perspective. <https://papers.ssrn.com/abstract=2908366>